

همزیستی مسالمت آمیز در حقوق بین الملل و حقوق اسلامی

فاطمه بنی‌هاشمی^۱ میرحمیدرضا بنی‌هاشمی^۲

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی رشته حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

چکیده

«همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل» همانطور که از عنوان آن پیدا است، بیانگر دیدگاه حقوق بین الملل معاصر (به ویژه پس از جنگ جهانی دوم) و نیز دیدگاه اسلام در این خصوص است. باید توجه داشت که همزیستی مسالمت آمیز، با «صلح» متفاوت است؛ چه اینکه به «عدم جنگ» هم صلح اطلاق می‌شود؛ ولی در همزیستی، افزون بر صلح و نبود جنگ، تعاون و همکاری براساس اصول مشترک نیز وجود دارد. هدف پژوهش تبیین اصالت همزیستی مسالمت آمیز در حقوق بین الملل و حقوق اسلامی و مبانی مورد نظر اسلام برای تحقق همزیستی مسالمت آمیز ملل بعنوان یک ضرورت برای تکامل جوامع است. بی شک صلح و امنیت در پرتو همزیستی مسالمت‌آمیز بشریت به ارمغان خواهد آمد. دین اسلام که جامع ادیان گذشته است به این مسئله توجهی ویژه نموده است. یقیناً همه ادیان آسمانی و پیامبران الهی مروج توحید و منجی بشریت و منادی صلح، امنیت و رفتار محبت‌آمیز نسبت به پیروان دیگر مذاهب می‌باشند، ولی پیروان ادیان با گذشت زمان و در اثر دوری از رهبری اولیای خدا، بتدریج انحرافات را پذیرا شده و گاه تحت تأثیر ملل دیگر، منکر زندگی مسالمت‌آمیز با پیروان دیگر مذاهب شده‌اند؛ چنان که پیروان دین یهود و مسیحیت به نژادپرستی رو آورده و در این راستا جنگهای زیادی به راه انداختند و انسانهای فراوانی را به قتل رساندند و البته باید گفت در این زمینه یهودیان شدت عمل بیشتری داشته‌اند و در قوم یهود تضاد با حقوق بین‌الملل به نحو واضح مشاهده می‌شود؛ آنان علاوه بر این که معتقد به برتری نژاد خویش می‌باشند، دیگر ملل را در خدمت خود می‌انگارند. اما از نظر اسلام، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز انسانها با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف است.

واژگان کلیدی: همزیستی مسالمت آمیز، صلح و امنیت، بشریت.

مقدمه :

طبق منابع اصیل اسلامی، صلح و همزیستی مسالمت آمیز انسان‌ها، با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف شمرده شده، و اسلام، صلح و همزیستی با ادیان و ملل دیگر را به صورت اصل و قاعده اساسی، در نظام تشریعی خود ملاحظه کرده است. آیاتی از قرآن کریم؛ نژادپرستی، تحمیل عقیده، و تعصبات نادرست را رد، و از پیشنهاد صلح، همکاری بر اساس اصول مشترک، و گفت و گوی مسالمت آمیز استقبال می‌کند و ضمن به رسمیت شناختن انبیا و کتاب‌های آسمانی گذشته، به حقوق اقلیت‌ها احترام می‌گذارد. همزیستی مسالمت آمیز عبارت است از نحوه مناسبات بین ممالکی که دولت‌های آنها دارای نظام‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون هستند؛ یعنی رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، احترام به حق کلیه ملت‌ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصله مسائل بین المللی از طریق مذاکره. تاریخ گذشته نشان می‌دهد که در تمام دوره‌ها (از دوره باستان تا قرن بیستم) بشر شاهد جنگ‌ها و ستمگری‌های فراوان بوده و به طور معمول هنگام بروز جنگ‌ها، فریاد صلح طلبی بیش تر به گوش می‌رسیده و تقریباً همزیستی مسالمت آمیز، آرزویی دست نیافتنی بوده است و در دهه‌های اخیر، بویژه پس از جنگ جهانی دوم، انجمن‌ها و سازمان‌های بین المللی برای تأمین این آرزوی ملت‌ها، فراوان کوشیده اند. مذاهب «بودا» در صلح و همزیستی و تعاون بین پیروان خود، با دیگر مذاهب و اقوام، از خود، چهره خوبی نشان داده است. پیروان «زرتشت» خود را پرستنده یزدان و دیگران را پرستنده «اهریمن» می‌دانند و برای کسانی که دارای کیش مورد قبول آنان نبوده اند، کم ترین حقوقی را قائل نبوده اند. بر اساس آموزه‌های «تورات» صلح در دین یهود به مثابه امر توصیف شده از سوی خداوند می‌آید. زمانی که عدالت و هماهنگی نه تنها در میان مردم بلکه در میان فرد فرد جامعه به وجود آید صلح تحقق می‌یابد.

اندیشه همزیستی مسالمت آمیز، از راه‌های گوناگون، وارد حقوق بین الملل معاصر شده است. گاهی در معاهده‌های دو جانبه یا چند جانبه، گاهی در اعلامیه نهایی کنفرانس «باندوگ» مربوط به جنبش عدم تعهد، گاهی در منشور سازمان وحدت افریقا و دیگر بار، در قطعنامه‌های سازمان ملل. منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر، از اسناد مهم بین المللی است که به عبارت‌های گوناگون، خواهان زندگی مسالمت آمیز تمام ملت‌ها کنار یک دیگر شده است و شورای امنیت هم که مهم ترین رکن سازمان ملل متحد است، مسؤولیت تأمین امنیت و صلح بین المللی را به عهده دارد. طبق منابع اصیل اسلامی، صلح و همزیستی مسالمت آمیز انسان‌ها، با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف شمرده شده، و اسلام، صلح و همزیستی با ادیان و ملل دیگر را به صورت اصل و قاعده اساسی، در نظام تشریعی خود ملاحظه کرده است. آیاتی از قرآن کریم؛ نژادپرستی، تحمیل عقیده، و تعصبات نادرست را رد، و از پیشنهاد صلح، همکاری بر اساس اصول مشترک، و گفت و گوی مسالمت آمیز استقبال می‌کند و ضمن به رسمیت شناختن انبیا و کتاب‌های آسمانی گذشته، به حقوق اقلیت‌ها احترام می‌گذارد.

از مطالعه روایات اسلامی به دست می‌آید که همزیستی مسالمت آمیز، و ایجاد رابطه مودت و دوستی با بیگانگان، امری است که مسلمانان در روابط بین الملل خود می‌توانند از آن بهره گیرند. سیره پیامبر که از قرآن کریم گرفته شده، حق حیات و رسمیت جوامع گوناگون را به صراحت تضمین می‌کند. حضرت، در روابط بین الملل با ملل غیرمسلمان، بسیار آزادمنشانه برخورد می‌کرد و در

نامه‌هایش به رؤسای دولت‌های معاصر، هیچگاه پیشنهاد ادغام آنها در دولت اسلامی را مطرح نکرد؛ بلکه فقط دعوت به قبول رسالت آن حضرت و گرویدن به آیین اسلام را بیان می‌داشت و در مواردی به بقای مُلک و سلطنت آنان تصریح کرده، تداوم حاکمیت آنان بر قلمرو سرزمین خویش را تضمین می‌فرمود. جالب توجه این که نتیجه سرپیچی آنان از این دعوت الهی را مجازات آخرتی دانسته است یکی دیگر از مصادیق بارز به رسمیت شناختن مخالفان عقیدتی، پیمان‌های همکاری و صلح آمیزی است که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) با مشرکان، یهودیان و مسیحیان منعقد می‌ساخت و گاهی امتیازهای فراوانی را به آنها واگذار می‌کرد.

درباره صلح و جنگ، به طور عمده بطور عمده عقده ای که وجود دارد اینگونه است که روابط مسلمانان با غیرمسلمانان بر پایه مسالمت و رفتار نیک استوار است. اسلام، هیچ گاه به پیروان خود اجازه نمی دهد پیروان مذاهب دیگر را بکشند و وجود عقاید مخالف، مجوزی برای رفتار خصمانه نیست؛ بلکه بر عکس، اسلام به پیروان خود دستور می‌دهد با مخالفان، رفتار مبتنی بر عدالت و قسط داشته باشند. در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه هیچ خانه در شهر و بیابان باقی نمی ماند، مگر این که توحید در آن نفوذ می‌کند؛ یعنی اسلام به صورت آیین رسمی، همه جهان را فرا خواهد گرفت و غیر از قوانین اسلام، چیزی بر جهان حکومت نخواهد داشت ولی هیچ مانعی ندارد که اقلیتی از یهود، نصارا و ... در پناه حکومت حضرت مهدی(علیه السلام) با شرایط «اهل ذمه» وجود داشته باشند و توسل او به قدرت برای گسترش عدالت و بر انداختن حکومت‌های ستم است، نه برای اجبار به پذیرفتن آیین اسلام؛ و گرنه آزادی و اختیار مفهومی نخواهد داشت.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای اقلیت‌های دینی ارزش خاصی قائل است؛ آنان را به رسمیت شناخته، ضامن آزادی و حقوق ملی آنان است. این عده در حدود قانون در انجام وظایف دینی خود آزادند و در احوال شخصی و آموزه‌های دینی طبق آیین خود عمل می‌کنند. سیاست خارجی ایران نیز بر اساس همزیستی مسالمت آمیز با دولت‌های غیرمحراب استوار است.

در این پژوهش به این پرسش پاسخ داده می‌شود که دیدگاه ادیان سه‌گانه اسلام، مسیحیت و یهود، در مورد همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان مذاهب دیگر چگونه است؟ آیا حق همزیستی مسالمت‌آمیز را به رسمیت می‌شناسند؟ به عبارت دیگر، آیا این ادیان با توجه به اصل مشترک حاضرند با پیروان مذاهب دیگر، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند یا خیر؟

پاره‌ای از نویسندگان مانند منتسکیو، متفکر فرانسوی، اسلام را دین شمشیر می‌دانند. وی در روح‌القوانین می‌گوید: «یکی از بدبختی‌های بشر، این است که هر فاتحی دیانت خود را بر جامعه مغلوب، تحمیل می‌کند. دیانت اسلام که به زور شمشیر

بر مردم تحمیل شده، چون اساس آن متکی بر جبر و زور بوده، باعث بدبختی و شدت شده است.» (منتسکیو، ۱۳۸۲، ص ۶۷۱)

البته منتسکیو در این دروغ‌پردازیها، تنها نیست، بلکه این روش اکثر خاورشناسان و اسلام‌شناسان غربی است. در این پژوهش، به دور از تعصب و بر اساس شواهد و ادله روشن از قرآن، روایات و سیره پیشوایان اسلام، «اصالت حق همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام» و این که اسلام نسبت به پیروان ادیان دیگر، نهایت خوش رفتاری و سازش را به کار برده است، اثبات می‌گردد. گوستاولوبون می‌گوید: «اگر ملل مسیحی دین فاتحین خود؛ یعنی اعراب را قبول کرده، حتی زبان آنها را هم اختیار نمودند، سبب اصلی آن این بود که آنها در مقابل حکامی که تا آن وقت زیر شکنجه آنها بودند، حکام جدید را عادلتر و منصفتر مشاهده نمودند.»

وی همچنین می‌گوید: «تساهل مذهبی اسلام نسبت به مذاهب یهود و نصاری... خیلی بندرت می‌توان در مذاهب دیگر مشاهده نمود...» (گوستاو لوبون، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۴۸)

نظر به این که ساختار روابط دولت اسلامی با دیگر کشورها، با وجهه و آبروی اسلام در جهان ارتباط می‌یابد و قضاوت دیگران را درباره اسلام شکل می‌دهد، کاربردی کردن دیدگاه‌های اسلام، درباره سیاست خارجی و حقوق بین‌الملل، از حساسیت بیشتری برخوردار می‌گردد. امید است که این گام، زمینه پژوهش‌های بیشتری را فراهم سازد.

مفهوم شناسی همزیستی مسالمت آمیز

همزیستی مسالمت آمیز در اصطلاح حقوق بین‌الملل عبارت است از: «نحوه مناسبات، بین ممالکی که دولت‌های آنها دارای نظام‌های اجتماعی و سیاسی مختلف هستند؛ یعنی، رعایت اصول حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، احترام به حقوق کلیه ملت‌ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصله مسائل بین‌المللی از طریق مذاکره». به بیان دیگر، حق همزیستی مسالمت آمیز دارای دو بعد است؛ از نظر حقوق بین‌الملل عمومی عبارت است از: «مناسبات دوستانه بین ملت‌ها و دولت‌ها بر اساس شناسایی یکدیگر، برابری حقوق، عدم مداخله و حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف‌ها». و از نظر حقوق بین‌الملل خصوصی عبارت است از: «به رسمیت شناختن اقلیت‌های دینی و قومی در داخل یک سرزمین، احترام به حقوق آنها، آزادی در انجام فعالیت‌های دینی و مذهبی».

پاره ای از نویسندگان مانند منتسکیو، متفکر فرانسوی، اسلام را دین شمشیر می‌دانند. وی در روح القوانين می‌گوید: «یکی از بدبختی‌های بشر، این است که هر فاتحی دیانت خود را بر جامعه ی مغلوب، تحمیل می‌کند. دیانت اسلام که به زور شمشیر بر مردم تحمیل شده، چون اساس آن متکی بر جبر و زور بوده، باعث بدبختی و شدت شده است». البته منتسکیو در این دروغ پردازی‌ها، تنها نیست، بلکه این روش اکثر خاورشناسان و اسلام شناسان غربی است. ما می‌توانیم به دور از تعصب و بر اساس شواهد و ادله ی روشن از قرآن، روایت و سیره پیشوایان اسلام، «اصالت حق همزیستی مسالمت آمیز در اسلام» و این که اسلام نسبت به پیروان ادیان دیگر، نهایت خوش رفتاری و سازش را به کار برده است، اثبات کنیم. گوستاولوبون می‌گوید: «اگر ملل مسیحی دین فاتحین خود؛ یعنی اعراب را قبول کرده، حتی زبان آنها را هم اختیار نمودند، سبب اصلی آن این بود که آنها در مقابل حکامی که تا آن وقت زیر شکنجه ی آنها بودند، حکام جدید را عادل تر و منصف تر مشاهده نمودند». وی همچنین می‌گوید: «تساهل مذهبی اسلام نسبت به مذاهب یهود و نصاری... خیلی به ندرت می‌توان در مذاهب دیگر مشاهده نمود...».

۱- مفهوم رفتار مسالمت آمیز در اسلام

ضعف مکاتب مادی برای ارائه یک حقوق داخلی و عمومی صحیح و مناسب و فراخور همه انسانها به اثبات رسیده است و دراین میان تنها مکاتب الهی قادر خواهند بود که انسان را به توفیق درارائه چنین حقوقی متکامل و مترقی یاری نماید و دراین بین نهایی ترین و کامل ترین آن یعنی مکتب اسلام می‌باشد، یگانه آیینی که ازهمان آغازپیدایش، دعوت خودراباشعار همزیستی مسالمت آمیز به جهانیان عرضه نمود، آنجا که خداوند متعال درقرآن کریم فرمودند: «بگو ای پیروان کتاب آسمانی بیائید همگی به آنچه همه ما به آن معتقدیم پایبند باشیم و به این که جزء خدای رانپرستیم و برای او هیچ چیز راشریک قرارندهیم و بعضی ازما بعضی دیگر را سرپرستی مستقل ازخدا ندانیم، پس اگراپذیرش این پیشنهاد سرباززدند به آنها بگوئید شاهد باشید که ما مسلمانیم» (آل عمران/۶۴)

آنچه که در آیه شریفه اشاره شد، این است که اسلام همه پیروان ادیان را به همکاری فراخوانده نه به مبارزه، و این خود یکی از مهمترین دلایل شناسایی حقوق بین الملل در اسلام است. و «جالب توجه این است که در بیشتر نامه‌هایی که بوسیله پیامبر (ص) برای پادشاهان جهان که دارای اعتقاد الهی بوده اند، فرستاده شده، متن آیه فوق در آن درج گردیده است.» (ابراهیمی و حسینی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۰)

در تفسیر آیه شریفه آمده است: «بگو: ای اهل کتاب! به سوی سخنی بیایید که میان ما و شما مشترک است. جز آنکه خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را بجای خدا ارباب نگیرد. پس اگر (از این پیشنهاد) سرباز زدند، بگوئید: گواه باشید که ما مسلمان و تسلیم خدائیم.»

۲- مفهوم رفتار مسالمت آمیز در حقوق بین الملل

جهان امروز جهانی است با پیچیدگی‌ها و شگفتی‌های فراوان، جهانی که با پیشرفت علوم و فنون، صنعت و تکنولوژی و... نیاز روزافزون جامعه امروزی را به روابط بین الملل و رعایت حقوق افراد بیشتر می‌کند. تعیین حدود اختیارات کشورها، حقوق اقلیت‌ها، حفظ ارزشهای معنوی و مادی بشری و ... از مشکلاتی هستند که باید در بستر یک حقوق بین المللی در نظر گرفته شود.

در یک جمع بندی حقوق بین الملل را چنین می‌توان تعریف کرد: «حقوق بین الملل حقوقی است که روابط دولتها را به عنوان نماینده ملتها و وظایف متقابل آنها در برابر سازمانهای اجتماعی و حقوقی ویژه افراد بیگانه در هر کشور تنظیم کند و این کار باید بر اساس تامین آسایش و منافع آنها باشد.» (ابراهیمی و حسینی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۸) و تعریفی که از همزیستی مسالمت آمیز ارائه شده است: «به نحوه مناسبات بین کشورهایی که دولتهای آنها دارای نظامهای اجتماعی و سیاسی مختلف هستند اطلاق شده است و منظور از آن رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت، تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و فیصله مسائل بین المللی از طریق مذاکره است.» (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۴۹)

اندیشه رفتار مسالمت آمیز، از راههای گوناگون، وارد حقوق بین الملل معاصر شده است. گاهی در معاهده‌های دو جانبه یا چند جانبه، گاهی در اعلامیه‌های مربوط به جنبش عدم تعهد، گاهی در منشور سازمان وحدت افريقا و گاهی هم، در قطعنامه‌های سازمان ملل و منشور سازمان ملل و... دیده می‌شود البته باید به این نکته اشاره کرد که «روابط بین الملل از پدیده‌های نو نیست، بلکه تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد این اندیشه در زمان‌های کهن، ولو به شکل ابتدایی آن وجود داشته است، ملتها و دولتها با یکدیگر در ارتباط بوده و در زمان صلح و یا جنگ مقرراتی را هر چند در قالب اخلاقی آن مراعات می‌کردند.» (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۶۱) انسان موجودی اجتماعی است که با تشکیل جوامع کوچک و بزرگ به رفع نیازهای خود می‌پردازد. امروزه به خلاف گذشته با افزایش سرسام آور جمعیت کره زمین و در نتیجه افزایش احتیاجات و نیازهای انسانها، بسیار بیشتر از گذشته زمینه‌های تنازع و تضاد افزایش یافته است. با این حال تجربه چندین قرن تعارض و جنگ به خوبی به انسانها فهمانده که تا در فضایی به دور از درگیری، بتوانند بصورت مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی کنند و بتوانند نیازهای مادی و معنوی خود را برآورده سازند. در حقیقت می‌توان گفت تلاشهای جدی بشریت پس از آغاز قرن بیستم و بخصوص با پشت سر گذاراندن دو جنگ خانمانسوز جهانی در جهت کاهش روابط خصمانه و بهبود

و ارتقاء روابط دوستانه آغاز شد. از اوایل همین قرن بود که اصطلاحی تحت عنوان رفتار مسالمت آمیز وارد ادبیات سیاسی گردید. و کم کم رنگ و بوی حقوقی یافت.

۳- تعریف و تبیین اصل همزیستی مسالمت آمیز در اسناد بین الملل

منظور از اصل یک قاعده‌ی بنیادین حقوقی است که در سطح بسیار گسترده‌ای میدان عمل دارد مانند اصل لزوم وقاء به عهد و یا یک هنجار اصیل و عام است که دولت باید در سیاست خارجی خود پیش از هر چیز آنرا مبنای عملکرد خود قرار دهد (خلیلیان، ۱۳۸۹، ص ۲۰۴). جهت تعریف همزیستی مسالمت آمیز و تعیین اصول و مبانی آن باید از قواعد حقوقی موجود الهام گرفت و بدین ترتیب چنین نتیجه حاصل می‌شود که کلیه دولتها صرفنظر از نظام اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و یا مرامی خود، معرفت به همکاری برای اعتلای سازمانهای بین المللی موجود و ایجاد سازمانهای بین المللی مورد نیاز جهت تحقق اهداف منشور ملل متحد و همچنین توسعه و تقویت حقوق بین الملل و کوشش برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات حاصله با دولتهای دیگر هستند. در تعیین و احصای اصول همزیستی مسالمت آمیز، نظام حقوقی بین المللی موجود و تحولاتی که در جامعه‌ی بین المللی متشکل و سازمان یافته از کنفرانس سانفرانسیکو تاکنون حاصل شده به طور کامل مد نظر قرار گرفته است (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴).

همزیستی مسالمت آمیز خود دارای اصولی است که بر پایه‌ی این اصول، همزیستی بین ملتها و مذاهب استوار می‌شود. حقوقدانان کشورهای مختلف و سازمانهای متعدد ملی و بین المللی حقوقی، جنبه‌های متنوع همزیستی مسالمت آمیز را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار داده اند. «انجمن حقوق بین الملل» به سهم خود در اجرای تصمیمی که در کنفرانس دو برونیک ۱۹۵۶ اتخاذ گردید، کمیته‌ای به منظور بررسی جنبه‌های حقوقی همزیستی تشکیل داد. این کمیته که وظایف آن از طرف کنفرانسهای بعدی انجمن حقوق بین الملل و همچنین شورای اجرایی آن تصریح گردید شانزده اصل را به عنوان «مبانی همزیستی مسالمت آمیز» تعیین نمود و این نظر از طرف کنفرانس انجمن حقوق بین الملل که در سال ۱۹۶۴ در توکیو تشکیل گردید نیز مورد تایید قرار گرفت. نتیجه و حاصل مطالعات و بررسی‌هایی که مدتی نزدیک به ده سال در مراجع و دستگاه‌های گوناگون سازمان ملل متحد درباره اصول حقوق بین الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری بین دولتها به عمل آمده بود در جلسه‌ی مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ (بیست و پنجمین دوره‌ی اجلاس‌های مجمع عمومی) مطرح و آن براساس، تصمیمی اتخاذ شد. طبق این تصمیم درباره اصول هفتگانه‌ی ذیل به طور رسمی توافق حاصل شد.

۱- الزام دولتها به خودداری از توسل به تهدید و به کار بردن قوای صلح ضد تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولتهای دیگر یا اقدامهای مشابه که خلاف اهداف سازمان ملل متحد هستند.

۲- لزوم حل و فصل اختلافات بین المللی به وسایل مسالمت آمیز به گونه‌ای که لطمه‌ای به صلح و امنیت بین المللی و اصول عدالت وارد نشود.

۳- عدم مداخله‌ی دولتها دراموری که در صلاحیت انحصاری دولتهای دیگر است با توجه به اصول مقرر در منشور ملل متحد.

۴- الزام دولتها به همکاری با یکدیگر طبق اصول منشور ملل متحد

۵- تساوی حقوق ملل و آزادی آنها برای تعیین سرنوشت خود.

۶- برابری دولتها از لحاظ حاکمیت

۷- الزام دولتها بر رعایت تعدات ناشی از منشور ملل متحد با حسن نیت کامل (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴-۱۳۳).

همان گونه که بیان شد در مورد تعداد اصول همزیستی مسالمت آمیز بین دانشمندان توافقی وجود ندارد. گاهی تا شانزده اصل بیان شده است مثل اصول پیشنهادی انجمن حقوق بین الملل و گاهی پنج اصل. در کنفرانس باندوک در ۲۴ آوریل ۱۹۵۵ میلادی از سوی پاکستان، هفت اصل «هفت ستون صلح» پیشنهاد شده بود ولی کنفرانس باندوک اعلامیه ای را تصویب کرد که متضمن ده اصل بود (کلییار، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۶۳).

اگر چه در مورد این اصول توافقی کامل وجود ندارد ولی می توان برخی از آنها را در هم ادغام کرد و حتی قدر متیقنی از این اصول به دست آورد. شایان ذکر است که این اصول از یکدیگر تفکیک ناپذیرند چرا که با عدم اجرای هر یک از آنها به آن هدف مطلوب و مورد انتظار دست نخواهیم یافت.

تاریخچه همزیستی مسالمت آمیز

دین اسلام، تنها منحصر به اعمال عبادی و مراسم شخصی نمی شود بلکه این دین مجموعه ای از مسائل عبادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. دینی که دربرگیرنده تمام اموری است که انسان در معاش و معاد، دنیا و آخرت، زندگی فردی و اجتماعی بدان نیاز دارد. این دین به رابطه ی انسان با خالق، حاکم، جامعه، خانواده، ملت خود و سایر ملت ها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان توجه نموده است. این دین از سوی خدا و به وسیله ی پیامبر اکرم (ص) برای جمیع بشر تا روز قیامت آورده شده است. او آخرین پیامبر و اسلام آخرین دین و رسالتش جهانی است. از نظر اسلام، صلح و همزیستی مسالمت آمیز انسان ها با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف است. هدف از صلح، مصلحت گرایی نیست، بلکه خود صلح، مصلحت است؛ زیرا با زندگی فطری انسان ها سازگارتر است و در شرایط صلح، رشد و تعالی انسان و تفاهم برای رسیدن به توافق ها و سرانجام به یگانگی آیین بشری و گرایش به حق امکان پذیرتر است.

اساس روابط مسلمانان با غیرمسلمانان بر مسالمت و رفتار نیکو می باشد. اسلام هیچ گاه به پیروان خود اجازه ی قتل و کشتار پیروان مذاهب دیگر را نمی دهد و وجود عقاید مخالف، مجوزی برای رفتار خصمانه نمی باشد، بلکه اسلام به پیروان خود دستور می دهد با مخالفین رفتار مبتنی بر عدالت و قسط داشته باشند. با توجه به اصل «کرامت انسانی» در اسلام، غیرمسلمانان از آن جهت که در انسانیت با مسلمانان شریک هستند دارای احترام می باشند، هرچند در عقیده و مذهب متفاوت هستند. این موضوع کاملاً مستدل و با روح آیات، روایات و سیره ی پیشوایان اسلام، هماهنگی دارد. به عبارت دیگر، در اسلام، صلح و همزیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان و مذاهب دیگر، به عنوان قاعده ی اساسی ملاحظه شده است.

صلح و رفتار مسالمت آمیز از منظر اسلام

صلح و در امنیت زیستن، از آرمان های مقدس و دیرینه بشری است. «اسلام دین الهی است، در احکام و آموزه های آن، بر اصل صلح و زندگی مسالمت آمیز و اصلاح بین مردم تاکید شده است طرح اسلام این است که رفتار تان با دشمنان به گونه ای باشد که آنها با شما دوست صمیمی شوند.» (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰) از نظر اسلام، صلح و همزیستی مسالمت آمیز انسانها با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف است. هدف از صلح، مصلحت گرایی نیست، بلکه خود صلح، مصلحت است؛ زیرا با زندگی فطری انسانها

سازگارتر است و در شرایط صلح، رشد و تعالی انسان و تفاهم برای رسیدن به توافقها و سرانجام به یگانگی آیین بشری و گرایش به حق امکان‌پذیرتر است. صلح و همزیستی مسالمت آمیز یکی از اهداف بشری است که بشریت همواره به دنبال آن بوده است و جزء قدیمی ترین نیازهای بشری است تا درپناه آن بتواند ضمن حفظ موجودیت خود نیروهای خود را در جهت تامین زندگی بهتر و مناسب بکار گیرد. بنابراین جنگ در اسلام به عنوان آخرین راه تحقق زندگی مسالمت آمیز تلقی شده است و گر نه، شیوه اولیه و عمومی اسلام در برخورد با دیگر ملل، تعاون در نیکی و پرهیزکاری است (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۹).

صلح و هم زیستی مسالمت آمیز بین ملت‌ها و دولت‌ها از ضروری ترین نیازهای بشر است؛ آن چه که ملت‌ها و دولت‌ها باید در روابط بین الملل خود در مقابل دیگران رعایت نمایند عبارت است از: ۱- ترویج اخوت بشری و مساوات انسانی؛ ۲- تحریم اسباب نزاع و جنگ؛ ۳- مبارزه با استعمار؛ ۴- احترام به پیمان‌ها و عهدها؛ ۵- پرهیز از جدال دینی؛ ۶- تأکید بر نقاط اشتراک میان پیروان ادیان الهی

اصول همزیستی مسالمت آمیز در حقوق بین الملل اسلامی

۱- اصل استقلال سیاسی و نفی سبیل

اسلام قرار دادی را که موجودیت و استقلال شخصیت اسلام و جامعه اسلامی را به خطر بیندازد یا بهانه و دسیسه‌ای برای نفوذ و سیاست بیگانگان گردد فاقد ارزش می‌داند و همچنین به مسلمین هرگز اجازه نمی‌دهد به عنوان اتحاد و هم پیمانی خود را در برابر متحدین و گروه‌های مذهبی متعهد ببازند و شخصیت فکری و عقیده خود را از دست بدهند و با آنان آنچنان یگانگی کنند که به دنباله ی روی پرستش و اتکاء و قبول سیادت بیگانگان منجر گردد.

اسلام با چنین دوستی و تولی سخت مبارزه می‌کند و صریحاً مسلمین را از ارتکاب به این نوع خیانت منع و تهدید می‌نماید (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۰۳).

قرآن در این رابطه چنین می‌فرماید: «گروهی از اهل کتاب آرزودارند که شما را همراه کنند ولی جز خودشان را همراه نمی‌کنند اما نمی‌فهمند.» (آل عمران/۶۹) در جای دیگر می‌فرماید: «آنان اگر راهی بر شما پیدا کنند دشمنان خواهند بود و دست‌ها و زبان‌هایشان را به بدی سویتان بگشایند و دوست دارند که شما نیز کافر شوید.» (ممتحنه/۲)

۲- اصل همزیستی مسالمت آمیز (استراتژی وحدت)

همانطور که جنگ و صلح محوری ترین و اساسی ترین مساله حقوق بین المللی معاصر محسوب می‌شود در اسلام نیز زیر بنای اصلی فقه سیاسی و بنیان اساسی حقوق بین الملل خط و مشی کلی سیاسی پس از مساله حاکمیت در رابطه با این دو مساله تبیین می‌گردد به این معنی که کدام یک از دو خط مشی اصل و ثابت و کدام امر عارضی و استثنایی است که تنها با مجوز شخص مشروع تلقی می‌شود. فقها معمولاً در مسائل بسیار مهم نخست به تاسیس اصل وقاعده می‌پردازند به نحوی که اگر حالت استثنایی از آن قاعده وجود داشته باشد الزاماً باید یک دلیل ثابت گردد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۴۲).

طرح تئوری حکومت جهانی در اسلام نه تنها فلسفه ی وجودی صلح و همزیستی مسالمت آمیز را نفی نمی‌کند و آن را به مخاطره نمی‌افکند بلکه به آن به عنوان یک ضرورت جهانی تثبیت و غیر قابل اجتناب نظر می‌افکند درست است که هدف نهایی در خط مشی کلی اسلام تشکیل حکومت واحد جهانی است و اگر روزی این ایده آل اسلامی جامه ی عمل بپوشد غایت وجود ی حقوق بین المللی منتفی می‌گردد ولی این حقیقت بدان معنی نیست که اسلام برای نظام حقوقی در روابط بین المللی اعتباری قائل نیست و چنان که روند کنونی اروپا در رسیدن به وحدت اروپا به معنی حقوق بین المللی نمی‌باشد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۴۴).

صلح اساس زندگی اجتماعی انسانهاست و این اصل ریشه در فطرت انسان دارد در دیدگاه اصولی و اساسی نیز این اصل درباره ی روابط انسانها در زندگی اجتماعی رعایت گردیده و توصیه های مکرر اسلام در زمینه روابط اجتماعی و سیاسی بر پایه صلح و همکاری متقابل نیکوکاران و مناسبات پرهیز کارانه در قلمرو حیات ملی است و نیز در محدوده ی بین المللی و در سطح وسیع تر فراگیر تئوری جامعه ی واحد بشری استوار گردیده است.

آیه ی صریح «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انشی وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله أتقاکم ان الله علیم خبیر» (حجرات/۱۳)

در آیه مشابه اسلام سمت گیری انسانها را با وجود تفاوت های شکلی و ظاهری انسانها که لازمه تعداد و معارفه است به سوی رشد و شکوفایی مناسبات صلح آمیز میان گروه های متفاوت و گوناگون ترسیم می کند و هشدار می دهد مبدا اختلاف های صوری گروه های انسانی آنها را از حالت صلح دور کند و به ستیز و جنگ وا دارد.

اسلام برای تحقق بخشیدن و گسترش حالت صلح در میان ملتها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه و درگیری های خونین نه تنها برای قراردادهای و معاهدات بین المللی ارزش حقوقی فوق العاده ای قائل شده بلکه اصولاً ملتها و گروه های دیگر را نیز برای انعقاد پیمانهای صلح دعوت کرده و جامعه ی اسلامی توصیه می نماید که همواره در این زمینه پیشقدم می باشند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۷).

۳- اصل جهانشمولی اسلام

در یک حکم کوتاه اسلام میخواهد که از انسانهای موجود در کره زمین فقط یک امت بهم پیوسته و واحد در کره زمین بشری فراهم آورد یعنی کشوری به عرض و طول جغرافیایی همه ی کره ی زمین و دولتی به شعاع فعالیت و صلاحیت همه انسانها و سرزمینها. بنابراین نظام حقوقی اسلام را می توان از دو دیدگاه نگریست.

کمال مطلوب: (یا آنچه که باید باشد) : در اینجا فرض در آن است که مقررات حقوقی می باید بر جامعه ای حکومت کند که ایده ال اسلام است و در ظرف خارج نیز تحقق یافته است.

وضع موجود یا حقایق انکارناپذیری که هم اکنون هستند. این باید با توجه به وضع موجود جهان یعنی در شرایطی که وحدت و یکپارچگی هنوز بر جامعه ی بشر سایه نیفکند می خواهیم مقررات حقوق اسلام را به کار بندیم.

در دیدگاه نخست می بینیم اسلام نظامی نیست که به یک منطقه خاص جغرافیایی و یا گروهی مخصوصی از افراد انسانی انحصار یافته باشد و اما در دیدگاه دوم نگرش واقعیت است واقعیاتی که هر چند به باور ما غیر منطقی و نامعقول می نماید ولی هستند و وجود دارند. امروزه چه کسی است که منکر وجود جوامع مختلف بر پهنه ی زمین بتواند شود. جوامعی با بینشها، معتقدات و هدف هایی بسیار رنگارنگ و گوناگون که همه ی شان البته در مقیاس اسلام گمراه بوده بر خلاف فطرت سالم انسانی گام بر می دارند (خلیلیان، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰).

اسلام از بدو ظهور خود با یک دید جهانی خود را به مردم عرضه می کرد: «وما ارسلناک الا کافه للناس بشیرا و نذیرا» (سباء/۲۸)؛ «قل یا ایها الناس انی رسول الله جمیعاً» (اعراف/۱۵۸)

سوره سباء و اعراف هر دو مکی هستند ترسیم سیاست جهانی در آیات مکی می رساند که پیامبر آن طور نبود که پس از پیروزیهای چشمگیر و روز افزون خود تازه دیدگاه خود را تغییر داده و ناگهان بر همه ی جهان چشم طمع دوخته باشد.

جهانی بودن اسلام دارای دو بعد زمانی و مکانی است یعنی: «هم برای عموم بشریت هر کجا که باشند و هم برای همه ادوار تا روزی که نسلهای بشری پیاپی زاده شوند. پس این گستردگی و این جاودانگی بیانگر رسالت جهان اسلام است.» (خلیلیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۴) هدف نهایی اسلام مانند سایر ادیان جهانشمول الهی تشکیل یک جامعه جهانی و اجرای نظام حقوقی واحد در سراسر گیتی است. در یک جمله کوتاه اسلام می‌خواهد که انسانهای موجود در کره زمین فقط یک امت به هم پیوسته و واحد بشری فراهم آورد یعنی یک کشور به عرض و طول جغرافیایی همه ی کره زمین و دولتی به شعاع فعالیت و صلاحیت انسانها و سرزمینها. پیامبر اکرم (ص) از ابتدای بعثت با ارسال نامه پادشاهان و سران کشورهای مختلف جهان را به دین اسلام بر خواند و با این عمل رسالت جهان اسلام را پی گرفت (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۲).

۴- اصول دعوت به اسلام

بنابر این اصل دعوت مسلمانان باید در معاشرت‌های خود با کفار به گونه ای رفتار کنند که آنان به اسلام دعوت شوند و حقانیت اسلام و چهره‌ی حقیقی آن را با گفتار و کردار نیک برای آنان روشن سازند پیامبران الهی با هدف یکتا پرستی بشر و ایجاد قسط و عدل در روی زمین برانگیخته شدند این هدف مشروع و بزرگ آنان را از بکار گیری وسایل و راههای نامشروع و اجبار افراد در پیروی از خود و نیز اکراه در پذیرش دین حق باز می‌داشت (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

خداوند به پیامبرش گوشزد می‌کند که اکراهی در دعوت مردم به ایمان آوردن وجود ندارد و تو نیز اصرار نکن. همچنین در آیه شریفه «لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی» (بقره/۲۵۶) نیز اکراه در پذیرش دین را نفی کرده و آزادی عقیده را به عنوان اصلی استوار برای بشر به ارمغان آورده است. پس با این حال وظیفه‌ی پیامبر چیست؟ می‌توان گفت پیامبر همچنان که از اصطلاح "رسول" یا "پیامبر" بر می‌آید اولاً وظیفه ابلاغ دستوره‌های الهی به مردم را داشتند پیامبر موظف به دعوت مردم به این حق است و ابراز دعوت را خداوند در اختیار او گذاشتند که عبارتست از منطق و استدلال قوی به همراه کردار و رفتار مناسب با آن و در صورت لزوم جدال نیکو (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴، ص ۵۵).

۵- اصل مشارکت و تعاون بین المللی

تعاون و مشارکت در تاریخ زندگی اجتماعی بشر به صورت اصل عقلایی و مثبت قدمت طولانی دارد. اصولاً آغاز زندگی اجتماعی با همکاری توأم بوده و تمدن بشری در بستر زمان و در پرتو اصل مشارکت شکل گرفته است.

اسلام ضمن تأیید اصل مشارکت و تعاون به عنوان یک اصل عرفی و مقبول با ارائه معیار اصل حوزه قلمرو آن را توسعه داده و به آن جنبه‌ی الهی و انسانی داده است «وتعاونوا علی البر والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان» (مائده/۲) آنچه در این آیه در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است و ابعاد گوناگون مسائل اجتماعی را در دو حوزه ی داخلی و بین المللی آن شامل می‌شود بر اساس این اصل مسلمانان وظیفه دارند در کارهای نیک و سودمند همیاری کنند و از همکاری در اهداف باطل و ضد انسانی بپرهیزند (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۹).

از دیدگاه قرآن کریم بر (نیکویی و تقوا (پرهیز کاری) مبنای تعاون و مشارکت است. این دو معیار که سراسر نظام ارزشی اسلام را در بر می‌گیرد یکی جنبه اثباتی دارد و اشاره به اعمال مفید است و دیگری جنبه نفی دارد و به جلوگیری از اعمال خلاف ناظر است به این ترتیب تعاون باید هم در دعوت به نیکویی‌ها و هم در مبارزه با بدیها انجام گیرد (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۰).

۶- اصل حمایت از ملت‌های تحت ستم

قرآن کریم حمایت از مبارزات حق طلبانه را از اهداف رسالت پیامبر و از وظایف مسلمانان می‌داند و به صورتهای گوناگون این اصل انسانی را مورد توجه و تأکید قرار داده است در قرآن کریم آیاتی است که می‌گوید خداوند وعده یاری به انسانها داده است که در راه به دست آوردن حق خویش قیام کنند «انا لتنصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیاه الدنیا ویوم یقوم الاشهداء» (غافر/۵۱) و در جای دیگر به پیامبر چنین وعده یاری می‌دهد «وینصرک الله نصرًا عزیزا» (فتح/۳) و به مسلمانان مبارز این گونه نوید می‌دهد «وینصرکم علیهم» (توبه/۱۴) و آیات متعددی در قرآن یاری جستن را حق مظلوم و ملت‌های تحت ستم می‌داند که برخی از آنها عبارتند از: «ولمن انتصر بعد ظلمه فالنک علیهم من سبیل» (شوری/۴۱)؛ «والذین اذا اصابهم البغی هم ینصرون» (شوری/۳۹)؛ «وذكروا الله کثیرا وانتصروا من بعد ما ظلموا» (شعراء/۲۲۷) و «یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم» (نساء/۱۴۸)

بنابر آنچه گفته شد وبا استدلال به آیات فوق می‌توان چنین گفت: که فریاد کشیدن و یاری جستن حق ملت‌های تحت ستم است و حمایت از آنان یک وظیفه الهی و انسانی می‌باشد و خداوند به کسانی که در راه احقاق حقشان مبارزه کنند کمک می‌کند.

۷- اصل برابری جوامع در اسلام

بدون تردید مادامی که نگرش بشر در این زمینه تحول پیدا نکند روند تعصب و خود برتر بینی نیز ادامه خواهد یافت اسلام به عنوان آیین جهانی در این زمینه دیدگاه ویژه خود را دارد و اعتقاد به جهانی بودن اسلام مسلمانان را به ایجاد یک نظم جهانی هدایت می‌کند که هدف آن بر پایی حکومت خدا بر زمین بوده و شرط آن نیز اطاعت از مشیت الهی است این دیدگاه با نظریه‌ی سلطه و کام روایی مبتنی بر نژاد، زبان و قوم و ... تفاوت اساسی دارد. دین اسلام به مسلمانان اختصاص ندارد، طریق ورود به آن برای همگان که اسلام آوردند باز است در یک کلام هدف مسلمانان گسترش تمدن اسلامی و تحقق حکومت جهانی مبتنی بر اصل برابری براساس ایمان می‌باشد و پایه گذاری نظامی که نیاز همه را صرف نظراز ملاکهای نژادی و مذهبی و... برآورده سازد چه اینکه قرآن مجید ضمن محکوم کردن دیدگاه‌های برتر بین یهود، نصارا، دعوت جاهلیت بر اصل برابری جوامع تأکید کرده است و اصل برابری یکی از اصول مسلم در نظام حقوق اسلام است که در پرتو آن تمام بشر از منظر قانون نسبت به حقوق و تکالیفشان بدون هیچ تبعیضی از نظر نژاد، ملیت، رنگ، خانواده یا عقیده برابرند (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳).

۸- اصل انعطاف پذیری

انعطاف پذیری در روابط بین المللی به عنوان یک سیاست استراتژیک یا تاکتیکی نقش مهمی در اثبات و تداوم صلح ایفا می‌کند. هنگامیکه سیاست گذاران تحت فشارهای شدید به تصمیم گیری‌های مهمی می‌پردازند انعطاف پذیری اصولی می‌تواند در حل بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای یا بین المللی تاثیر تعیین کننده‌ای داشته باشد.

چنان که اتخاذ موضع سر سخنان و دکترین مقاومت و تلافی همه جانبه نیز به نوبه خود در شکستن بن بست بحرانها حایز اهمیت بسیار است لکن یکی از این دو خط و مشی را باید انتخاب کرد چنانچه در سیاست خارجی آمریکا در زمان ریاست جمهوری آیزنهاور در مورد هند و چین سیاست پاسخ انعطاف پذیر اتخاذ گردید ولی در دوران ریاست جمهوری جانسون استراتژی مقاومت و تلافی همه جانبه به کار گرفته شد. با توجه به مفاد مطلق و غیر مشروط آیه «وان جنحوا للسلم فاجنح لها وتوکل علی الله» (انفال/۶۱) چنین اثبات می‌شود که سیاست در روابط بین المللی به صورت یک خط مشی مطلق ارائه گردیده است به ویژه با توجه به «توکل علی الله» می‌توان نفی هر نوع قید و شرط را در انعطاف متقابل از مفاد آیه استنباط نمود اسلام این اصل را در کنار اصل توسعه آمادگی رزمی تا

سر حد اقتدار عالی پاسداری از صلح جهانی مطرح می‌کند و در چنین شرایطی بهایی که با سیاست انعطاف پذیری برای رسیدن به صلح پرداخت می‌شود چندان هم گران و سنگین نخواهد بود (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰).

۹- اصل تفاهم

از آنجا که انسان فطرتاً موجودی اجتماعی و دارای نعمت اندیشه و اسلام آیین فطرت و پاسخگوی نیازهای فطری بشر و دین جهانی است تفاهم صورت اصل حقوقی الزام آور و مبنای روابط زندگی اجتماعی در اسلام اهمیت و جایگاه خاصی دارد (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۲۴).

در قرآن کریم به اصل لزوم تفاهم و نقش آن در گونه‌های روابط انسانی، تامین زندگی با امنیت و تحقق اهداف والای انسانی توجه شده است خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که ملتها را به تفاهم در حداقل مشترکات مورد قبول همگان دعوت کند و خود در این عرصه الگو و پیشگام باشد (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۳۴۴).

قرآن به مسلمین سفارش کرده که در این مسیر الگو باشند «وقولوا للناس حسناً» (بقره/۸۳) از دیدگاه قرآن اصل تفاهم به صورت یک فرمان در جهت آغاز حرکت جهانی اسلام صادر شده است و تلاش در راه ایجاد تفاهم برای پیامبر یک فریضه الهی بوده است که یک توصیه اخلاقی. او وظیفه داشت این پیامبر را که دعوت به تفاهم است به پیروان ادیان آسمانی ابلاغ کند. شیوه آن حضرت در اجرای این فرمان الهی خود بیانگر اهمیت اصل تفاهم به عنوان یک اصل الزام آور حقوقی در حقوق بین المللی اسلامی است (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۲).

۱۰- اصل سیاست خارجی

وقتی دولتی اسلامی سایر دولتهای غیر اسلامی را به رسمیت شناخت طبقاتی می‌تواند با آنها رابطه‌ای متقابل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی داشته باشند، مقصود اصلی حقوق بین المللی نیز همین است که این روابط رادر قالب وضع مقررات بین المللی سامان و سازمان دهد.

در همین راستا در نظام حقوقی اسلام، اصول پیش بینی شده که دولت اسلامی موظف است آنها را در روابط خود با سایر دول و نیز معاهداتی که با آنها منعقد می‌نماید مراعات کند که برای نمونه به دو اصل آن اشاره می‌کنیم.

۱۱- اصل عدالت و ستم ستیزی

در شریعت اسلام به طور کلی و در همه‌ی روابط فردی و اجتماعی اصل عدالت نه به طور یک جانبه و آنجا که به نفع خود است بلکه به طور دو جانبه و حتی آنجا که به ضرر خود باشد مورد تاکید قرار گرفته است براین اساس در روابط بین المللی دولت اسلامی نیز اصل بر نفی روابط غیر عادلانه است و دولت اسلامی نه تنها حق ندارد که در این رابطه به ستم پذیری تن دهد بلکه از هر گونه ستمگری نیز باید اجتناب کند چرا که اساساً تحقق عدالت یکی از مهمترین اهداف انبیاء و دین بین اسلام و در آیه‌ی ۲۵ سوره حدید نیز بر این مطلب تاکید شده است (دانش پژوه، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲).

۱۲- اصل عزت و استقلال

به موجب این اصل دولت اسلامی موظف است که در برقراری رابطه با سایر دولتها و انعقاد معاهدت دو یا چند جانبه و نیز عضویت در سازمانهای بین المللی به گونه‌ای عمل کند که موجب شکست قدرت اسلام و استیلای دولتهای بیگانه بر مسلمانان نگردد. آیه‌ی شریفه «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء/۸۱۴) و حدیث معروف نبوی «لاسلام يعلو ولا يعلى عليه» مبنای این اصل است. (دانش پژوه، ۱۳۸۸، ص ۲۲۲)

نتیجه‌گیری

از مجموع مباحثی که ارائه شد می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که همزیستی مسالمت آمیز چیزی بیشتر از حالت صلح است چرا که ممکن است کشورها در صلح باشند ولی سایر شرایط که لازمه ی همزیستی مسالمت آمیز است از جمله همکاری و تعاون را نداشته باشند. در هر حال می‌توان برای همزیستی مسالمت آمیز چهار مرحله قائل شد: صلح، تعاون (همکاری)، اتحاد و وحدت. مرحله پس از صلح مرحله تعاون و همکاری است که امروزه به ویژه در سازمانهای بین المللی یک وجه خود را نشان می‌دهد و نمونه ی بارز آن سازمان ملل است. کشورهای مسلمان نیز به نظر می‌رسد با تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی در این مرحله به سر می‌برند. مرحله بعد مرحله ی اتحاد است که کشورهای اروپایی با تشکیل اتحادیه ی اروپا خواهان دستیابی به آن هستند ولی هنوز مرحله چهارم یعنی وحدت محقق نشده است. دیدگاه اسلام برای مسلمانان و کشورهای اسلامی همان وحدت با یکدیگر است و با کشورهای غیر اسلامی تعاون و همکاری یعنی اسلام در خصوص رفتار با کشورهای غیر اسلامی یک مرحله فراتر از صلح رفته و خواهان همکاری و تعاون با آنهاست. در مجموع باید پذیرفت که اسلام دین صلح و آشتی و همزیستی مسالمت آمیز است و جنگ و جهاد حالت استثنائی دارد و نیازمند وجود دلیلی موجه است. با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت:

(۱) حقوق اقلیت‌ها امروزه از موضوعات مورد بحث و مناقشه در محافل علمی است. در تاریخ اسلام نیز این موضوع از عصر نبوی تا کنون از زوایای مختلف مورد توجه بوده است و متفکران مسلمان پژوهش‌های زیادی را در این خصوص انجام داده‌اند. در همه این آثار و تألیفات، سیره رهبران اسلام به‌ویژه پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) در قبال اقلیت‌های دینی، منبع اصلی تحقیق بوده است. (۲) باوجود اینکه اسلام دارای کامل ترین و مترقی ترین قوانین در زمینه حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها می‌باشد و در مقررات آن، بیشترین آزادی‌ها را برای اقلیت‌های غیر مسلمان وضع کرده است ولی بیشترین تهمت‌ها و تبلیغات سوء علیه اسلام مطرح می‌شود. (۳) اسلام یک دین اجتماعی و جهانی است. این ویژگی برجسته، آن را یک دین عملی و واجد یک نظام حقوقی کاملاً انسانی ساخته است. قرآن کریم توجه خاصی به روابط بین المللی مسلمانان با دیگران داشته و تأکید فراوانی به رفتار مسالمت آمیز داشته است.

(۴) پیامبر اسلام در سیره و رفتار خویش به خوبی احترام به حقوق اقلیت‌ها را به نمایش گذاشته‌اند و بدون شک الگوی رفتاری همه مسلمانان در این موضوع و موضوعات دیگر نبی مکرم اسلام هستند، زیرا خداوند الگو گرفتن از ایشان را با جمله «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» به مؤمنان آموخته است. سیره و سنت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) نیز در این زمینه تأکید فراوانی داشته است. با این که ما اسلام را تنها آیین رسمی خداوند در این زمان می‌دانیم ولی معتقدیم باید با پیروان مذاهب آسمانی دیگر رفتار مسالمت آمیز داشته باشیم، چه در کشورهای اسلامی زندگی کنند و خواه در بیرون آن، مگر کسانی از آنها که در مقام مبارزه با اسلام و مسلمین بر آیند: «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهیم و تقسطوا الیهیم ان الله یحب المقسطین» ترجمه: خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که به خاطر دین با شما پیکار نکردند و شما را از خانه و وطنتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند، زیرا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد»

(۵) ما معتقدیم: با بحث‌های منطقی می‌توان حقیقت اسلام و تعلیمات آن را برای سایر مردان جهان، تبیین و آشکار کرد، و جاذبه اسلام را به قدری قوی می‌دانیم که اگر به خوبی تبیین گردد، گروه‌های زیادی را به خود متوجه خواهد ساخت، به خصوص

در دنیای امروز که گوش شنوا برای شنیدن پیام اسلام، بسیار است. به همین دلیل ما معتقدیم: نباید اسلام را از طریق جبر و فشار به دیگران تحمیل کرد: «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» در قبول دین اکراهی نیست زیرا راه درست از نادرست آشکار شده است.^۱

۶) عمل کردن مسلمین به دستورهای جامع اسلام می‌تواند عامل دیگری برای معرفی اسلام باشد پس حاجتی به اجبار و تحمیل نیست. با توجه به روایات و احادیث، هم زیستی مسالمت آمیز و ایجاد مودت با بیگانگان، امری است که مسلمانان می‌توانند در روابط بین الملل خود از آن بهره گیرند؛ زیرا اسلام، آیین فطرت است و هرگز با احساسات طبیعی و انسانی بشر ضدیت ندارد. به نظر اسلام، با ایجاد یک جو آرام و مودت آمیز، می‌توان با مخالفان عقیدتی به گفتگو و جدال احسن پرداخت. پیشوایان اسلام پیوسته به رعایت، انصاف، ادای حقوق و پرهیز از آزار و اذیت پیروان مذاهب دیگر توصیه می‌نمودند.

۷) تبیین اهداف رفتار مسالمت آمیز با غیرمسلمانان و توسعه آموزه‌های اسلامی در سطح جهان، بیانگر توجه اسلام به گسترش روابط بین المللی است، چه این که آموزه‌های اسلامی برای رسیدن به اهداف خود، بدون روابطی منظم و مقرراتی حساب شده محقق نخواهد شد.

پیشنهادهای

۱) دیپلماسی و مذاکره: مذاکره، در روابط خارجی دولت اسلامی از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. این اهمیت به گونه ای است که هیچ جنگی از سوی رهبران دینی تجویز نگردیده مگر این که قبل از آن روند مذاکره دنبال شود. لذا هرچه ملتها و دولتهای اسلامی در شرایط کنونی از این اصل به خوبی استفاده کنند، می‌توانند، اهداف و نظرات اسلام را در خصوص حقوق اقلیتها تبیین کنند.

۲) انعقاد پیمانهای سیاسی: دولت‌های اسلامی برای حفظ و بسط ارزشهای دینی می‌تواند با انعقاد پیمانهای سیاسی همانند آنچه که پیامبر با دیگران انجام دادند، نشان دهند که اسلام به عنوان دینی است که تمایل دارد با دیگران رابطه و همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد.

۳) تالیف قلوب: عنوان ((مولفه قلوب)) یکی از عناوین قرآنی است که ناظر به مساعدت مالی برای برخی از افراد به منظور فراهم کردن زمینه‌های جذب آنان به آیین آسمانی اسلام است. دولت‌های اسلامی در روابط خارجی خود می‌تواند به منظور جلب و جذب برخی ملتها و یا از میان برداشتن زمینه‌های خصومت و ایجاد زمینه‌های همسویی و همگرایی، از این ابزار اقتصادی بهره ببرند. امروزه کمک‌های بلا عوض کشورهای قدرتمند به ملل فقیر و عقب مانده یکی از مهم ترین ابزارهای سیاست خارجی است که برای تأمین منافع قدرتمندان به کار گرفته می‌شود. آنچه تحت عنوان ((تالیف قلوب)) مطرح است، در واقع مساعدت‌های مالی حکومت اسلامی برای ایجاد زمینه‌های همدلی و جذب ملتها به سوی تعالیم اسلامی است. بنابراین تالیف قلوب یکی از ابزارهای اقتصادی است، که دولت اسلامی می‌تواند در راستای اهداف متعالی خویش از آن بهره برداری کند، البته هر چند عمدتاً تالیف قلوب در مورد افراد غیر مسلمان و برای جلب و جذب آنان به اسلام یا از میان برداشتن زمینه‌های عداوت از قلب آنان صورت می‌گیرد؛ اما برخی از فقهاء، مسلمانان محروم و مستضعف را که در معرض انحراف و هجوم فرهنگ غیر دینی قرار دارند، نیز از موارد آن می‌دانند. به هر تقدیر دولت اسلامی از ابزارهای اقتصادی می‌تواند در راستای تقویت باورهای دینی امت اسلامی، سد سازی در برابر ترویج اندیشه‌های ضد دینی و نیز جلب و جذب ملل غیر مسلمان بهره گیرد.

۴) باید علاوه بر اینکه دین اسلام تبلیغ می‌شود، تبیین هم شود، چراکه در حال حاضر ما اسلام را تبلیغ می‌کنیم، ولی تبیین نمی‌کنیم، در حالی که اگر اسلام تبیین شود و به مردم اجازه فکر کردن بدهیم، خود آنان به سراغ احکام اسلام می‌روند و شناخت دقیقی از آن پیدا می‌کنند.

۵) راه اندازی سازمانهای مردم نهاد (NGO) توسط اندیشمندان و متفکران جهان اسلام و تاثیرگذاری بر سازمانهای بین المللی و ارائه چهره واقعی اسلام .

۶) کاربران اینترنت امروزه بیش از هر زمان دیگری تشنه اطلاعات و محتوای دینی هستند، دنیای امروز خواهان اندیشه‌های ناب و راه کمال است، باید از ابزار رسانه به نحو شایسته و مطلوب استفاده کرد. چرا که عصر حاضر، عصر ارتباطات است، با راه اندازی شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، سایت‌ها و وبلاگ‌ها، و با استفاده از نظرات اساتید و کارشناسان متخصص بتوانیم نظرات اسلام و انقلاب اسلامی ایران را در خصوص مبانی و نظرات اسلام در خصوص اقلیت‌ها اعلام کنیم.

منابع

- ابراهیمی، محمد، ۱۳۸۷، اسلام و حقوق بین المللی عمومی، جلد ۲، تهران، انتشارات سمت
- ابراهیمی، محمد و حسینی، علیرضا، ۱۳۸۲، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، جلد ۱، تهران، انتشارات سمت
- خلیلیان، سید خلیل، ۱۳۸۶، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- دانش پژوه، مصطفی، خسروشاهی قدرت ا...، ۱۳۸۸، فلسفه حقوق، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم
- سلیمی، عبدالحکیم، ۱۳۸۶، نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل، قم، انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۴، اسلام و حقوق بین الملل، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم
- عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۳، فقه سیاسی، جلد ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر
- کریمی نیا، محمدمهدی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹
- کلییار، کلودآلبر، ۱۳۸۸، نهادهای روابط بین الملل: سیر تحول حقوق بین الملل و نهادهای بین المللی، ترجمه هدایت اله فلسفی، جلد ۱، تهران، انتشارات نو
- گوستاو لوبون، ۱۳۸۷، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم حسینی، ج ۴، تهران، کتابفروشی اسلامیة
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، سیری در سیره ائمه اطهار، انتشارات صدرا، چاپ هشتم
- منتسکیو، ۱۳۸۲، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، انتشارات امیرکبیر